



معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

نگاهی به چالش های نظام ارز چندنرخه در ایران



تهیه کننده: پریسا مطرانلویی

معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بهمن ۱۴۰۲

از طریق پست الکترونیکی زیر می توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

مقدمه

بخش مهمی از رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور از محل رشد خالص صادرات تامین می‌شود و یکی از متغیرهای مهم اثرگذار بر خالص صادرات، نرخ ارز است. واقعی نبودن نرخ ارز در ایران به‌همراه نوسانات شدید آن طی سالهای اخیر در کنار محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و مشکلات موجود در فضای کسب و کار در زمینه تعدد در صدور بخشنامه‌ها با قوانین سختگیرانه در خصوص نرخ‌های چندگانه، بازگشت ارز حاصل از صادرات، تامین منشای ارز برای واردات و بسیاری از این مسائل موجب شده است حوزه صادرات در ایران با مشکلات زیادی روبرو باشد.

سیاست نظام چند نرخ ارز در ایران طی سالهای اخیر موجب ناکارایی و عدم تخصیص بهینه منابع و ترویج فساد و رانت اقتصادی بسیاری شده است. بنابراین اهمیت و ضرورت حرکت به سمت اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش شفافیت در بازار ارز به ویژه در شرایط فعلی که بخش تولید و صادرات تحت تاثیر تحریم‌ها بسیار بیشتر از گذشته آسیب دیده است، بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است سیاست‌گذاری در مسیر دستیابی به نظام تک نرخ نیازمند الزامات اجرایی است تا از بروز نوسانات عمده و شکست در سیاست‌گذاری اجتناب شود.

تجربه تاریخی کشور در زمینه نظام مدیریت نرخ ارز به شیوه تثبیت نرخ ارز و حاکمیت نظام چندنرخ نشان داده‌است که اهداف در نظر گرفته شده برای این نظام از جمله حمایت از تولید ملی و افزایش رفاه اجتماعی نه تنها محقق نشده، بلکه در برخی مواقع سیاست نظام چند نرخ ارز زمینه‌ساز وقوع و تشدید بحران‌های ارزی نیز شده است که به دنبال آن آسیب‌های جدی بر اقتصاد وارد آمده است.

نظام چندنرخ ارز

معیار تعیین نرخ‌های مختلف برای انواع کالاهای صادراتی و وارداتی در نظام نرخ ارز چندگانه، معمولاً میزان کشش انواع کالاهای وارداتی و صادراتی است. بنابراین از این دیدگاه، سیاست نرخ ارز در واقع نظام خاصی از مالیات و یارانه است. به عبارت دیگر از واردات کالاهای لوکس و صادرات کالاهای سنتی مالیات گرفته می‌شود و به واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه و صادرات کالاهای صنعتی یارانه داده می‌شود.

علاوه بر این دلایل دیگری همچون حمایت از صنایع داخلی و تخصیص ارز به فعالیت‌های خاص را نیز می‌توان به عنوان برخی از اهداف سیاست‌گذاران در زمینه اعمال نرخ‌های ارز چندگانه ذکر کرد که در اغلب موارد هیچکدام از این اهداف از طریق نرخ‌های ارز چندگانه محقق نشده است.

شایان ذکر است تفاوت معنادار میان نرخ ارز نیمایی و بازار آزاد یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان و صادرکنندگان در بازارهای هدف صادراتی، می‌باشد. این موضوع آنجایی حادثتر است که صادرکنندگان می‌بایست بخشی از مواد اولیه مورد نیاز خود را از بازار و با نرخ آزاد خریداری نمایند و از طرف دیگر با توجه به الزام به ثبت ارز صادراتی در سامانه نیما، قیمت‌گذاری ارز حاصل از صادرات با نرخ نیمایی تعیین می‌شود. بنابراین صادرکننده در ابتدای امر به ازای هر دلار صادراتی، درصدی از قیمت واقعی مواد اولیه، اجزا و ملزومات تولید را متضرر می‌گردد که هراندازه تفاوت بین ارز نیمایی و بازار آزاد بیشتر باشد این ضرر نیز بیشتر خواهد بود.

ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد با استفاده از متغیری مثل نرخ ارز که خود وابسته به سایر متغیرهای کلان است، نمی‌توان به طور همزمان به اهداف گوناگون اقتصادی نائل شد. برای رسیدن به اهداف مشخص اقتصادی نیاز به ابزارهای سیاستی متنوعی است که باید به طور همزمان و به صورت مناسب به کار گرفته شوند. تجارب سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که اگرچه برخی کشورها تحت شرایط خاص همچون بحران‌های ارزی و با حملات سوداگرانه، از سیستم ارز دو نرخی برای معاملات مربوط به حساب جاری و حساب سرمایه، به عنوان یک راهکار کوتاه‌مدت استفاده کرده‌اند اما به طور کلی حفظ سیستم چند نرخی ارز، به خصوص در شرایطی که تفاوت نرخ‌های ارز زیاد باشد، در بلندمدت برای یک کشور کارایی ندارد و تبعات منفی این نظام ارزی آشکار شده است. به طور خلاصه می‌توان گفت نظام چندنرخ ارز معایب زیر را دارد:

- ایجاد آثار نامطلوب بر تخصیص بهینه منابع و ایجاد الگوهای ناکارآمد تولید و مصرف
- ترویج فعالیت‌های سوداگرانه ارزی و افزایش رانت و فساد مالی ناشی از نحوه تخصیص ارز
- افزایش بوروکراسی به دلیل نیاز به وضع مجموعه مقررات ارزی خاص
- ایجاد شرایط رقابتی نابرابر بین بخش خصوصی و دولتی

مطالعه تجربیات سیاست‌گذاری ارزی طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد یکسان‌سازی نرخ ارز در مقاطع مختلفی در اولویت سیاست‌گذاری قرار گرفته است که در برخی موارد از جمله در سال ۱۳۷۲، به دلیل عدم رعایت برخی الزامات و نبود ثبات در تصمیم‌گیری‌ها، با شکست مواجه شده‌است. اما تجربه سال ۱۳۸۱ به عنوان یکی از ادوار موفق در یکسان‌سازی نرخ ارز مثال‌زدنی است. در تشریح عوامل موفقیت این سیاست می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- اتخاذ سیاست پولی انقباضی و کاهش تورم
- انضباط مالی و کاهش کسری بودجه از جمله ایجاد ردیف بودجه‌ای تحت عنوان مابه التفاوت نرخ ارز کالاهای یارانه‌ای
- کاهش کسری تراز پرداخت‌ها
- ایجاد بسترهای قانونی لازم از جمله ساده‌سازی مقررات ارزی
- کاهش بدهی‌های خارجی و اصلاح مدیریت آن
- انباشت ذخایر ارزی و بهبود مدیریت ذخایر
- انتقال تدریجی ارقام وارداتی مشمول نرخ ارز دولتی به نرخ ارز بازار آزاد
- اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده
- ایجاد بازار ارز بین بانکی پس از تشکیل کمیته‌های مرتبط از جمله کمیته راهبردی، تدوین مقررات ارزی و نظارت

فقدان نظام تک‌نرخ ارز و وجود شکاف بین نرخ ارز رسمی و آزاد، ضمن افزایش مداخلات اختلال‌زای دولت در قالب تشدید کنترل‌ها و سختگیری‌ها به ویژه در حوزه قیمت‌گذاری کالاهای منجر به شکل‌گیری فساد و رانت‌های ماندگار در اقتصاد کشور شده است. بدیهی است افزایش تولید و صادرات و تخصیص بهینه منابع در گرو واقعی کردن نرخ ارز در کشور است که به تبع آن موجب جلوگیری از اتلاف وقت فعالان اقتصادی در صف دریافت ارز و فراهم نمودن شرایط آزادی عمل و بروز خلاقیت‌ها برای کارآفرینان و منطقی کردن حمایت‌های تعرفه‌ای می‌شود.

نظام ارزی فعلی کشور علاوه بر چندنرخ بودن، در ابعاد دیگری همچون زمانبر بودن فرآیندهای تخصیص ارز، بازگشت ارز حاصل از صادرات، تعیین زمان رفع تعهد ارزی و چالش‌های مربوط به تامین ارز کالاهای اساسی با مشکلات متعددی روبرو است که در ادامه آسیب‌های چنین نظامی در دو محور اصلی تخصیص ارز برای واردات و بازگشت ارز حاصل از صادرات، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- تخصیص ارز برای واردات

مهمترین مشکلات فعلی واردکنندگان کالاهای اساسی به بخشنامه ۲۶۱۶۵۴/۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۹ بانک مرکزی که با هدف مدیریت بازار ارز و جلوگیری از ایجاد درخواست‌های غیرواقعی تخصیص ارز از محل منابع آن، نظام یکپارچه معاملات ارزی (نیما) و ارز حاصل از صادرات دیگران جهت واردات کالا و خدمت توسط بخش غیردولتی ابلاغ شده است، بر می‌گردد. طبق این بخشنامه بانک موظف است در زمان ایجاد یا تمدید گواهی ثبت آماری متناسب با زمان ایجاد و نوبت تمدید گواهی ثبت آماری نسبت به مسدودسازی معادل ریالی مبلغ ارزی مورد درخواست به نرخ فروش حواله ارز مندرج در سامانه معاملات الکترونیکی ارز (ETS) در حساب‌های متقاضی نزد آن بانک به عنوان سپرده تخصیص ارز اقدام کند. این بخشنامه مشکلات متعددی برای واردکنندگان کالاهای اساسی ایجاد نموده است که در دو محور کلی ذیل به آن پرداخته شده است:

۱-۱- مسدود سازی معادل ریالی و طولانی بودن زمان تخصیص ارز

بانک‌های عامل به دلیل نبود ارز کافی، قادر به تأمین و تخصیص به موقع ارز موردنیاز فعال اقتصادی نبوده و به‌ناچار مهلت مسدودی سپرده‌های بانکی و رقم مسدودی به صورت پلکانی افزایش پیدا می‌کند که مانع جدی فعالیت‌های اقتصادی بوده و امکان دسترسی واحدها به منابع مالی را کاهش می‌دهد.

این فرایند طولانی موجب می‌شود از یک طرف کالای وارد شده در انبار گمرک بماند و دچار افت کیفیت شود و از طرفی با پایان مهلت برای دریافت ارز و ترخیص کالا، میزان سپرده بانکی واردکننده به عنوان وجه بلوکه شده به صورت پلکانی افزایش یابد. این مشکل به خودی خود باعث ایجاد چالش‌های متعددی در سطح کسب و کار می‌شود که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۱-۲- عدم شفافیت در نحوه تخصیص ارز و هزینه‌های مضاعف برای بنگاه

در حال حاضر تأمین ارز مورد نیاز برای واردات و ترخیص کالا از گمرکات از روند منظم و مشخصی برخوردار نبوده و بازه‌های زمانی تأمین و تخصیص ارز همواره متغیر است. از زمان تخصیص ارز تا انجام حواله ارزی به دلیل تعدد مراکز دخیل از جمله بانک‌های عامل و صرافی‌های مجاز به مدت زمان نامشخصی بین ۴ الی ۸ هفته زمان نیاز است و طی این مدت ترخیص کالا از گمرکات میسر نمی‌باشد.

از سوی دیگر تولیدکنندگان و تامین کنندگان کالا و خدمات جهت استفاده از خطوط اعتباری اعطایی از ناحیه تامین کنندگان خارجی ناچارند تا ۱۴۰ درصد نقدینگی جهت تامین کالاهای وارداتی، ۵ درصد هنگام ثبت سفارش، ۱۰ درصد زمان تمدید و ۳۵ درصد هنگام انجام حواله ارزی هزینه نمایند. این حبس قابل ملاحظه نقدینگی موجب کاهش سرمایه در گردش بنگاه شده و در کنار چالش‌های قبلی پیش گفته شده در خصوص طولانی بودن زمان رسوب کالا در گمرک موجب کاهش حاشیه سود تولید و صادرات شده و در کنار آن معضلات بسیاری در تجارت خارجی و اقتصاد داخلی شکل می‌گیرد. عدم تخصیص به موقع ارز، بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه ریزی‌های داخلی بنگاه را تحت تاثیر قرار داده است و هزینه‌های زیادی از محل نگهداری کالاها و همچنین تورم ناشی از افزایش هزینه‌های تمام شده به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌گردد. در مجموع فرآیند تخصیص ارز برای واردات کالاها به دلیل نواقص موجود در زمینه مسدود سازی معادل ریالی و طولانی بودن زمان تخصیص و عدم شفافیت در نحوه تخصیص ارز، چالش‌های مضاعفی برای بنگاه‌ها ایجاد می‌کند که در ادامه تشریح شده است:

اثر منفی بر نقدینگی واردکنندگان

افزایش میزان منابع سپرده‌گذاری شده نزد بانک به ازای هر بار تمدید، به معنای قفل کردن آن بخش از سرمایه‌های کشور است که باید در مسیر تولید و تجارت استفاده شوند. لذا به دلیل بلوکه شدن ۵ تا ۱۰۰ درصدی منابع قبل از تخصیص ارز، مشکلات متعددی در تامین سرمایه بنگاه‌ها ایجاد می‌شود.

مشمول شدن کالاها به پرداخت ارزش سیف کالا در قبال خدمات سازمان املاک تملیکی

بخش زیادی از کالاهایی که از سوی گمرک به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی اظهار و متروکه اعلام می‌شوند، در انتظار تخصیص و تامین ارز هستند و این امر سبب می‌شود که مشمول پرداخت ۲.۵ درصد ارزش سیف کالا در قبال خدماتی که سازمان املاک تملیکی ارائه می‌دهد، شوند که این امر هزینه‌های زیادی را به صادرکننده تحمیل می‌کند.

ایجاد کمبودها در بازار

با توجه به اینکه برنامه‌ریزی برای تولید و تنظیم بازار، بر اساس بازه‌زمانی مشخصی برای تخصیص ارز صورت می‌پذیرد، طولانی شدن فرآیند تخصیص ارز موجب ایجاد کمبود در بازار و همچنین کاهش کیفیت کالاها در گمرک می‌شود.

عدم شفافیت

فرآیند تخصیص ارز و ارسال حواله برای ارزهای ترجیحی نیاز به تایید مدیران یا افراد، به شکل تشخیص فردی در سازمان غذا و دارو، جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی دارد. همچنین در موارد بسیاری نتیجه بررسی اعم از رد یا پذیرش به صورت شفاف اعلام نمی‌شود.

هزینه‌های مضاعف نگهداری

طولانی بودن فرایند تخصیص ارز و متعاقب آن افزایش هزینه‌های انبارداری توسط سازمان بنادر و دریانوردی موجب افزایش چند برابری هزینه‌ها و قیمت تمام شده محصولات شده است.

عدم رغبت جهانی به همکاری با تجار ایرانی به دلیل تاخیر در پرداخت وجوه معامله

با توجه به تاخیرهای عمده صورت گرفته در پرداخت وجوه معامله از محل واردات، رغبت جهانی در خصوص همکاری با تجار ایرانی به شدت کاهش یافته است. عدم امکان پرداخت به موقع وجوه معامله تجار به فروشندگان خارجی، ضمن تضعیف روابط تجاری، چالش‌های حقوقی برای واردکنندگان ایجاد نموده که نهایتاً موجب تخریب اعتبار برند تجار ایرانی می‌شود.

اختلال در فعالیت‌های بنگاه

با توجه به عدم تخصیص به موقع ارز و به تبع آن عدم تامین مواد اولیه واحدهای تولیدی، برنامه‌ریزی تولید بنگاه‌ها با مشکل مواجه شده است. از سوی دیگر به دلیل بلوکه شدن سپرده‌ها برای تخصیص ارز و کاهش نقدینگی بنگاه، امکان به روز شدن دستگاه‌های تولیدی بنگاه‌ها با مشکل مواجه شده و از اثرات بلندمدت این آسیب‌ها، از دست رفتن فرصت‌های رقابتی در بازارهای جهانی و همچنین ایجاد تورم داخلی در کالاهای تولیدی خواهد بود.

۲- بازگشت ارز حاصل از صادرات و رفع تعهد ارزی


طی ۵ سال گذشته دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های متعددی در خصوص نحوه رفع تعهد ارزی صادرکنندگان از سوی دولت و بانک مرکزی ابلاغ شده است ولی تقریباً هیچ یک نتوانسته است زمینه را برای تسهیل صادرات فراهم کند. از ۱۵ آذر ۱۴۰۱ به بعد تبصره ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اجرایی شده است. طبق این قانون، روش‌های برگشت ارز به دو گروه تقسیم شده است؛ گروه اول پتروشیمی‌ها، فلزات رنگی، فولاد و بخشی از معدنی‌ها قرار دارند که می‌بایست ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات آنها به سامانه نیما عرضه شود. بخش دوم محصولات خارج از این گروه شامل محصولات کشاورزی، صنعتی و بخشی از محصولات معدنی است که این گروه می‌بایست ۹۰ درصد ارز را رفع تعهد نموده و طبق قانون روش‌های زیر برای برگشت ارز آنها مجاز دیده شده است:

۱. فروش ارز به صورت حواله در سامانه نیما
 ۲. واردات در برابر صادرات خود
 ۳. واگذاری کوتاژ صادراتی به واردکنندگان به نرخ توافقی
 ۴. تهاتر کالا با کالا
 ۵. فروش ارز به صورت اسکناس به بانک‌ها، صرافی‌های مجاز و مؤسسات اعتباری با اظهارنامه وارداتی برای ارز
 ۶. بازپرداخت تسهیلات ارزی و تسویه بدهی دیون ارزی اعم از سود و اصل وجه پرداختی
- توجه به این نکته لازم است که مدت زمان برگشت ارز برای گروه اول، ۸۰ روز و برای سایرین ۴ ماه تا سقف یک سال در نظر گرفته شده است. همچنین طبق مصوبه کارگروه کارشناسی، به صادرکنندگان فرش دستباف فرصت یک ساله برای رفع تعهدات ارزی داده شده است.

در متن قانون تعهدات ارزی اشاره شده است که در صورت رفع تعهد ارزی کمتر از ۶۰ درصد برای هر صادرکننده، کارت بازرگانی فرد به صورت سیستمی تعلیق شده و رفع تعلیق کارت‌ها نیز مشمول فرآیند بسیار پیچیده‌ای خواهد شد.

بدیهی است تجار و بازرگانان فعال حوزه صادرات مخالف بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به کشور نیستند، بلکه در نحوه و فرآیند بازگرداندن ارز و همچنین اختلاف حدود ۱۱۰ هزار ریالی نرخ ارز در بازار با ارز نیمایی که به ضرر صادرکننده بوده و موجب کاهش سودآوری صادرات، کاهش تمایل به صادرات و به تبع آن از دست دادن بازارهای صادراتی می‌شود، با مشکلاتی مواجه هستند.

برای صادرکنندگان عمده به ویژه صادرکنندگان محصولات پتروشیمی به دلیل بهره‌مندی از مواد اولیه و خوراک به نرخ دستوری و یا صادرات نفت خام و میعانات گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی به دلیل برخورداری از رانت منابع طبیعی امکان



رعایت سقف‌های دستوری محتمل‌تر است اما این در حالی است که حاشیه سود دیگر صادرکنندگان خرد که از این حمایت‌ها برخوردار نیستند در مقایسه با گروه اول، به شدت تقلیل خواهد یافت.

همچنین چالش‌های موجود در زمینه رفع تعهد ارزی باعث شده است صادرکنندگان خرد برای فرار از سقف دستوری و تعهد صادراتی با استفاده از ظرفیت کارت‌های بازرگانی و استثنائات تجاری اقدام به صادرات کنند و یا با عدم بازگشت ارز بر خلاف تبصره ۶ ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرم به قاچاق هر چه بیشتر، دامن بزنند.

طبق گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با توجه به میزان حدود ۱۲ میلیارد دلار صادرات خرد در سال، عدم اصلاح سیاست‌های ارزی در خصوص این صادرکنندگان باعث خواهد شد که بیش از ۶ میلیارد دلار ارز از چرخه رسمی خارج شود. با توجه به اینکه در شرایط فعلی کشور، هر یک دلار از ارزهای حاصل از صادرات برای اقتصاد ایران ارزشمند است نباید هدف افزایش منابع ارزی، منجر به نادیده گرفتن خروج ارزهای صادرکنندگان خرد شود.

چالش‌های نظام چند نرخ ارز

نظام ارز چند نرخ در ایران طی سالیان گذشته با هدف کمک به بهبود قدرت خرید خانوارها (از مسیر تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی) و کاهش هزینه‌های تولید (از مسیر تخصیص ارز ترجیحی برای تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) طی یک دهه گذشته مورد استفاده قرار گرفته است.

اما آنچه در مجموع از برآیند اثرات این سیاست‌گذاری بر فضای اقتصاد کلان کشور مشاهده می‌شود، چالش‌های عدیده‌ای است که طریق ایجاد مزیت‌های ناپایدار در قیمت نسبی نهاده‌های تولید وارداتی به دلیل انتفاع از نرخ‌های ارز ترجیحی، تضعیف قدرت رقابت نهاده‌ها و تولیدات داخلی و تضعیف تراز تجاری ایجاد شده است.

در سطوح کسب و کار نیز مشکلات بسیاری متوجه تولیدکنندگان و صادرکنندگان شده است که در ادامه به مهمترین آنها پرداخته شده است:

ایجاد فساد و رانت

نظام ارز چندنرخ فضای اقتصاد کشور را طی سالیان اخیر به شدت آلوده به رانت، فساد، قاچاق و سوء استفاده در بخش‌های مختلف کرده و همانطور که در قسمت قبل تشریح شد، تامین کالاهای اساسی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. عدم تعدیل نرخ ارز متناسب با تورم و ایجاد اختلاف بین نرخ ارز واقعی و ترجیحی در مجموع به معنای ایجاد شرایطی غیرواقعی و دور از فضای اقتصاد بازار در تجارت کشور است که به دنبال خود منبعی از رانت ایجاد می‌کند.

تجربه ایران و سایر کشورهای دارای سیستم چند نرخ ارز نشان داده است که این کشورها در تخصیص بهینه منابع دچار مشکل شده و فعالیت‌های سوداگرانه در آنها شکل می‌گیرد.

شکل‌گیری رانت در توزیع و تخصیص ارز ارزان از مسیر تضعیف توان رقابت کالاهای داخلی و وارداتی بر تولید اثرگذار است. تفاوت نرخ ارز دولتی و آزاد موجب افزایش قیمت تمام شده کالاهای داخلی نسبت به کالاهای وارداتی شده و توجیه‌پذیری تولید را کاهش داده و به تبع آن ریسک سرمایه‌گذاری در تولید افزایش می‌یابد. تداوم این وضعیت منجر به تمایل بیشتر به واردات و در نتیجه شکل‌گیری فرهنگ سوداگری، دلالی و واسطه‌گری در اقتصاد شده و انگیزه برای بهره‌مندی از رانت ارز دولتی افزایش می‌یابد.

آسیب به تولید

نظام ارز چندنرخ طی سال‌های اخیر از چند منظر به بخش تولید آسیب وارد نموده است. عدم توانایی شبکه رسمی در تامین بهینه ارز (از نظر میزان ارز مورد نیاز و زمان لازم برای تخصیص آن) ضمن افزایش خواب سرمایه، از یکسو موجبات افزایش قیمت تمام شده و متعاقباً افزایش نرخ تورم را فراهم آورده و از سوی دیگر ضمن کاهش حاشیه سود فعالیت اقتصادی، موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در فضای کسب و کار شده است. عدم تامین به موقع نیاز ارزی جهت واردات، ضمن ایجاد اختلال در زنجیره تامین، امکان برنامه‌ریزی و زمانبندی مناسب را از بین برده و از طریق عدم امکان ایفای تعهدات قراردادی، بنگاه‌های اقتصادی را با زیان‌های هنگفتی مواجه نموده است.

رژیم‌های چند نرخ ارز فرآیند تخصیص بهینه نهاده‌های اولیه تولید را با اختلال مواجه نموده و به این ترتیب موجب کاهش بهره‌وری عوامل، تضعیف رشد اقتصادی و افزایش قیمت‌ها در میان مدت می‌شود. شکاف نرخ‌های رسمی و غیررسمی در نظام ارز چند نرخ، موجب کاهش بهره‌وری در بازار عوامل، تضعیف قدرت رقابت بین‌المللی تولیدات بخش‌های قابل تجارت خصوصاً بخش‌های منتفع از ارزهای ترجیحی، کاهش رابطه مبادله و همچنین تضعیف تراز تجارت خارجی می‌شود.

اثر مخرب بر سرمایه‌گذاری

طی سال‌های اخیر، نرخ استهلاک سرمایه در بسیاری از صنایع کشور افزایش یافته است که با توجه به نظام چندنرخ ارز در کشور و به دلیل اینکه لازم است ماشین‌آلات و تجهیزات از بازار آزاد تهیه شود و از دیگر سو ارزش‌های صادراتی در سامانه نیما به فروش برسد، موجب شده است انگیزه توسعه و بازسازی از صنایع گرفته شود. همچنین رسوب کالاها در گمرکات ضمن افزایش هزینه فرصت خواب سرمایه، هزینه‌هایی نظیر دموراژ و انبارداری را نیز تحمیل نموده و موجب کاهش سود و تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود.

تضعیف انگیزه‌های صادراتی

قوانین متعدد مربوط به نظام چندنرخ ارز طی سال‌های اخیر، نه تنها دستاورد قابل توجهی در جهت بهبود وضعیت بازار ارز و کاهش نوسانات نرخ ارز نداشته، بلکه انگیزه صادرکنندگان را برای فعالیت در حوزه تجارت خارجی کاهش داده است. مشکلات متعدد پیش روی صادرکنندگان از جمله تعلیق کارت‌های بازرگانی به دلیل عدم رفع تعهدات ارزی و مشکلات ناشی از آن در زمینه انجام فرآیندهای بانکی، مالیاتی، ثبت سفارش و ... همگی موجب شده است تا انگیزه صادراتی صادرکنندگان تحت تاثیر قرار گیرد.

جمع‌بندی

طبق بند ۲۰ ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، بانک مرکزی موظف است دامنه نرخ ارز را با توجه به حفظ رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی، در قالب نظام ارزی شناور مدیریت شده تعیین کند، که این موضوع به معنای تثبیت نرخ حقیقی ارز است. لذا می‌بایست این واقعیت که نرخ ارز متناسب با متغیرهای کلان اقتصادی تغییر خواهد یافت را پذیرفت و از بانک مرکزی انتظار داشت تا با تعیین کردوری منطبق با واقعیت‌های اقتصادی، نوسانات حول این روند را به حداقل برساند.

در حال حاضر که اقتصاد ایران به دلیل محدودیت‌های گسترده در دسترسی به شبکه‌های پرداخت و تسویه بین‌المللی و قطع ارتباط با نهادهای مالی و موسسات اعتباری خارجی، با ریسک‌های ساختاری متعددی در زمینه مبادلات مالی و تجاری با جهان مواجه است، لازم است در فضای داخلی اقتصاد کلان، تسهیل تولید و بهبود فضای سرمایه‌گذاری ملاک سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد و در مسیر ترسیم چشم‌انداز روشنی برای تقویت انگیزه‌های صادراتی گام برداشته شود، یکی از این اقدامات می‌تواند یکسان‌سازی نرخ ارز و حرکت به سمت واقعی شدن نرخ ارز در کشور باشد.

نظر به چالش‌های متعددی که نظام ارز چندنرخه در کشور به بار آورده است ارجح است مجموعه سیاست‌گذاری مسیر مشخصی برای مدیریت نرخ ارز و افزایش تدریجی نرخ ارز متناسب با متغیرهای کلان اقتصادی و در نهایت حرکت به سمت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را در پیش گیرد.